

## سوالات متون فقه

۱. عبارت هی تفویض الامر آلی الغیر لیعمل له بعد موتها. و عبارت ارجاع تمشیه امر من الامور الیه حال حیاته به ترتیب به کدام عقد اشاره دارد؟

۱. وکالت \_ وکالت  
۲. وکالت \_ وصیت

۳. وصیت \_ وکالت  
۴. وصیت \_ وصیت

۲. عین الخطا؟

۱. قوله بع داری قبوله الرضا به کافی فی تحقق الوکاله  
۲. لو قال الوکیل انا وکیلک فی بیع دارک مستفهما فقال نعم صح و تم

۳. لایبعد تحقق الوکاله بالکتابه من الطرفين  
۴. لایعتبر فی العقود الموالاه بین ایجابها و قبولها

۳. فی ای مورد الصحيح؟

۱. اذا اهل هلال الشهر وکلتک فی کذا  
۲. انت وکیلی فی آن تبیع داری آن جا علی  
۳. لو جائ علی من السفر وکلتک فی شرائ کذا فی وقت کذا  
۴. التنجیز هو تعلیق اصل الوکاله علی شی

۴. در مورد توکیل و توکل صبی کدام مورد صحیح است؟

۱. صبی میتواند توکیل دهد تنها در اجرا عقد اگر ممیز باشد و شرایط را بداند.

۲. صبی میتواند وکیل شود در بعضی از تصرفات مثل وصیت به معروف

۳. صبی نمی تواند توکیل دهد و توکل بپذیرد.

۴. بلوغ اصولا شرط وکالت است.

۵. عین الصحيح؟

۱. يشترط في الوكيل لا الموكل كونه جائز التصرف فيما وكل فيه

۲. يشترط في الموكل والوكيل كونهما جائز التصرف فيما وكل فيه

۳. يشترط في الموكل كونه جائز التصرف فيما وكل فيه

۴. لا يشترط في الموكل والوكيل كونهما جائز التصرف فيما وكل فيه

۶.....توكيل المحجور عليه لسفه او فلس فيما حجر عليهما فيه.....

۱. لا يصح \_ دون غيره كالطلاق

۲. يصح \_ دون غيره كالطلاق

۳. لا يصح \_ دون غيره كالبيع

۴. يصح \_ دون غيره كالبيع

۷. علت حکم عبارت کدام گزینه است؟ لا يصح منه التوكيل في عقدالنكاح آن کان محرما.و علت حکم این عبارت لاتصح وکاله المحرم فيما لايجوز له كالاتياع الصيد..

۱. من شرط الموكل آن يكون ايقاعه جائزا له ولو بالتسبيب \_

ومن شرط الوكيل كونه متمكنا عقلا و شرعا من مباشرة

ماتوكل فيه

٢. من شرط الوكيل ايقاعه جائزا له ولو بالتسبيب \_ ومن شرط الموكل كونه متمكنا عقلا و شرعا من مباشرة ماتوكل فيه
٣. من شرط الموكل ايقاعه جائزا له ولو بالتسبيب \_ و من شرط الوكيل ايقاعه جائزا له ولو بالتسبيب
٤. من شرط الموكل كونه متمكنا عقلا و شرعا من مباشرة ماتوكل فيه \_ ومن شرط الوكيل كونه متمكنا عقلا و شرعا من مباشرة ماتوكل فيه

٨. در کدام مورد زیر اسلام در وکیل شرط نیست؟

١. وکاله الکافر لابتیاع المصحف لکافر
٢. وکاله المرتد وان کان عن فطره عن المسلم و الکافر
٣. وکاله الکافر لاستیفا حق من المسلم
٤. وکاله الکافر لمخاصمه مع المسلم وان کان ذلک لمسلم

٩. عین الخطا؟

١. تصح وکاله المحجور علیه لسفه او فلس عن غیرهما ممن لاجر علیه

٢. لا یشرط فی الوکیل الاسلام

٣. ماکان شرطا فی الموکل والوکیل ابتدا شرط استداه
٤. لو جنا او حجر علیهما وکل فيه بطلت الوکاله

١٠. یشرط فیما وکل فيه آن یكون سائغا فی نفسه ف..... وان یكون للموکل سلطنه شرعیا علی ایقاعه.....

١. لا علی بیع مال الغیر من دون ولایه علیه \_ لا علی بیع مال الغیر من دون ولایه علیه

۲. لاتوكيل فى المعاصى كالفصب \_ لاتوكيل فى المعاصى  
كالفصب

۳. لاعلى بيع مال الغير من دون ولايه عليه \_ لاتوكيل فى  
المعاصى كالفصب

۴. لاتوكيل فى المعاصى كالفصب \_ لاعلى بيع مال الغير من  
دون ولايه عليه

۱۱. دركدام مورد وكالت صحيح است؟

۱. وكالت برأى اجاره دادن مال ديگرى

۲. وكالت برأى اخذ مال از غاصب

۳. وكالت برأى قمار کردن

۴. وكالت برأى فروختن مالى كه هنوز نخرید اگر وكالت كلى  
نباشد.

۱۲. لايصح التوكيل.....

۱. فى الحج ۲. فى الضمان

۳. فى الظهار ۴. فى الرجوع آب المطلقه الرجعيه

۱۳. يصح التوكيل فى....

۱. اليمين ۲. اللعان ۳. الايلا ۴. النذر

۱۴. كدام مورد قابليت تفويض به غير را دارد؟

۱. الصلاه ۲. الزكاه ۳. الصيام ۴. العبادات البدنيه

۱۵. لوتقبل عملا بقيد المباشره.....و.....الوكاله فى العبادات  
الماليه

۱. یصح التوکیل فیہ \_لاتصح
۲. لایصح التوکیل فیہ \_لایصح
۳. یصح التوکیل فیہ \_یصح
۴. لایصح التوکیل فیہ \_یصح

۱۶. عین الصحیح؟

۱. یجوز التوکیل فی الطلاق آن کان الزوج حاضرا لا غائبا
۲. یجوز التوکیل الزوجه فی ان تطلق نفسها
۳. یجوز التوکیل فی الطلاق آن کان الزوج غائبا دون حاضرا
۴. لایجوز التوکیل الزوجه فی ان تطلق نفسها بان توکل الغير عن ازوجه لا عن نفسها

۱۷. ....الوکاله فی حيازه المباح.....فی الموکل فیہ التعیین

۱. تجوز\_یشترط
۲. لاتجوز\_لایشترط
۳. تجوز\_لایشترط
۴. لاتحوز\_یشترط

۱۸. عبارت: انت وکیلی فی شرائ بیت معین و عبارت: انت وکیلی فی بیع داری او صلحها او هبتها. به ترتیب به کدام نوع وکالت اشاره دارد؟

۱. خاص\_عام
۲. مطلق\_خاص
۳. مطلق\_عام
۴. خاص\_تخییری

۱۹. عبارت: انت وکیلی فی جمیع التصرفات الممكنه فی داره المعینه و عبارت انت وکیلی فی بیع ملکى به ترتیب به کدام نوع وکالت اشاره دارد؟

۱. عام\_عام
۲. مطلق\_مطلق
۳. مطلق\_عام
۴. عام\_مطلق

۲۰. کدام گزینه اشاره به تصرف خاص و متعلق عام اشاره دارد؟

۱. انت وکیلی فی بیع داری مقابله انت وکیلی فی بیع داری  
بشمن معین

۲. انت وکیلی فی جمیع التصرفات الممكنه فی داره المعینه

۳. انت وکیلی فی بیع هذه الدار او هذه الدابه او هذه الفرش

۴. انت وکیلی فی بیع جمیع ما یملکه

۲۱. کدام گزینه اشاره به تصرف مطلق و متعلق مطلق دارد؟

۱. انت وکیلی فی تصرف فی مالی

۲. انت وکیلی فی امر داری

۳. انت وکیلی فی بیع داری مقابله انت وکیلی فی بیع داری

بشخص معین

۴. انت وکیلی فی جمیع التصرفات الممكنه فی جمیع ما یملکه

۲۲. کدام گزینه اشاره به مخالفت وکیل در بعضی از

خصوصیات موکل فیه دارد؟

۱. اذا وکله فی بیع داره به فاجرها

۲. لذا وکله فی بیعها بخیار فباع بدونه

۳. اذا وکله فی هبه داره فصلحها

۴. اذا وکله فی رهن بیتة فاوقفه ۲۲. کدام گزینه اشاره به

مخالفت وکیل در بعضی از خصوصیات موکل فیه دارد؟

۱. اذا وکله فی بیع داره به فاجرها

۲. لذا وکله فی بیعها بخیار فباع بدونه

۳. اذا وکله فی هبه داره فصلحها

۴. اذا وکله فی رهن بیتة فاوقفه

۲۳. کدام گزینه اشاره معامله فضولی دارد؟

۱. اگر وکیل کند تا کالای موکل را به ۱۰ تومن بفروشد و وکیل ۱۵ تومن بفروشد و طاهرا تحدید موکل از حیث کمی باشد
۲. وکیل کند تا در بازار معینی به ۱۰ تومن بفروشد و وکیل در بازاری دیگر ۱۰ تومن بفروشد
۳. وکالت دهد تو شهر الف بفروشد و وکیل در شهر ب بفروشد.
۴. وکالت برای فروختن ۱۰ تومن دهد با غرض عقلایی خاصی اما وکیل ۱۵ تومن بفروشد

۲۴. لو قال الموکل: وکلتک فی ان توکل غیرک و نیز بگوید: وکل غیرک به ترتیب انتخاب وکیل دوم از سوی.....

۱. وکیل اول \_ وکیل اول ۲. موکل \_ موکل
۳. وکیل اول \_ موکل ۴. موکل \_ وکیل اول

۲۵. لوکان وکیل الثانی وکیلا عن الموکل..... ولوکان وکیلا عن الوکیل الاول....

۱. وکالتہ تبعا لوکالتہ \_ کان فی عرض الاول
۲. لیس له آن یعزله ولا ینعزل بانهزاله \_ ینعزل بانهزاله او موته
۳. ینعزل بموت الوکیل الاول \_ لو مات یبقی الثانی علی وکالتہ
۴. وکالتہ تبعا لوکالتہ \_ ینعزل بانهزاله او موته

۲۶. در مورد عزل وکیل دوم در عبارت : لوکان وکیلا عنه کان له عزله مرجع ضمیر ه در سه کلمه عنه و له و عزله به ترتیب کدام است؟

۱. موکل \_ وکیل اول \_ وکیل دوم
- وکیل اول \_ وکیل دوم \_ موکل
۳. وکیل اول \_ وکیل اول \_ وکیل دوم
۴. موکل \_ وکیل دوم \_ وکیل اول

۲۷. در باب تعدد وکلا و اصل بر اجتماعی بودن یا استقلال  
مفهوم عبارت کدام است؟

سوائ صرح بالانضمام او اطلاق بان قال مثلا وکلتکما

۱. خواه تصریح نماید به اجتماع یا مطلق بگوید شما دونفر را وکیل کردم حمل بر اجتماعی میشود
۲. خواه تصریح نماید به اجتماع یا به استقلال وبگوید شما دو نفر را وکیل کردم حمل بر اجتماعی بودن میشود
۳. خواه به اجتماعی بودن تصریح کند ویا به اطلاق بیان کند حمل بر انفرادی میشود
۴. خواه به انضمام تصریح کند ویا به اطلاق تصریح کند حمل بر همان میشود والا مستقل ازهم وکالت میکنند.

۲۸. الف ب و ج را وکیل خود کرد در فروش اموال...

۱. ب و ج هرکدام زودتر از دیگری اقدام به بیع کرد وکالت آن دیگری باطل است و بیع صحیح است.
۲. هرکدام بدون دیگری اقدام نماید آن عمل غیرنافذ است.
۳. چنانچه باهم وکالت کنند یا به تنهایی موکل اظهار نکند در این حالت هرکدام زودتر از دیگری اقدام به بیع کرد بیع صحیح است.
۴. ب و ج میتوانند مستقلا اقدام کنند مگر موکل تصریح کند.



۲۹. با توجه به عبارت: لکن انعزاله بعزله مشروط ببلوغ اياه
۱. اگر وکیل به واسطه خبر فرد موثقی مبنی براینکه موکل وی را عزل کرد علترغم آن اقدام نماید آن عمل غیرنافذ است.
  ۲. اگر موکل با اخبار ثقه ای (یک نفر معتمد) وکیل را عزل نماید علترغم آن اقدام نماید آن عمل باطل است.
  ۳. اگر وکیل در صورت شنیدن خبر عزل خویش توسط فرد ثقه ای اقدام به عمل نمود آن عمل صحیح است.
  ۴. اگر وکیل برکنار شد و خبر عزل توسط یک فرد موثق به وی رسید عمل پس از آن به اراده موکل روشن میشود.

۳۰. مفهوم عبارت کدام گزینه است؟

تبطل الوکاله بموت الوکیل وکذا بموت الموکل وان لم يعلم الوکیل بموته

۱. وکالت با موت وکیل ویا موکل باطل میشود اگر وکیل نداند که موکل مرد.
۲. وکالت با موت وکیل و موکل باهم باطل میشود هرچند وکیل به موت موکل علم پیدا نکند.
۳. وکالت با فوت هرکدام باطل میشود هرچند وکیل به موت موکل علم پیدا نکند.
۴. وکالت با موت وکیل و موکل باهم باطل میشود اگر وکیل نداند که موکل مرد.

۳۱. تبطل الوکاله....

۱. بعروض الجنون و الاغماء کل منهما
۲. بتلف ماتعلقت به الوکاله و بفعل الموکل

۳. لو وکله فی بیع السلعه ثم باغها

۴. همه موارد

۳۲. در مورد توکیل صاحبان مناصب و افراد آبرومند.. .

۱. مکروه هست خودشان عهده دار دعوا شوند

۲. میتوانند وکیل بگیرند اما طرف دعوا به این امر باید راضی باشد

۳. عهده دار شدن خودشان زمانی مکروه هست که طرف دعوا بذی اللسان (بددهن) باشد.

۴. طرف دعوا این حق را دارد که از طرح دعوا توسط وکیل ممانعت نماید.

۳۳. کدام گزینه وظیفه وکیل مدعی نیست؟

۱. بث الدعوی و اقامه البینه و تعدیلها

۲. الطعن علی الشهود

۳. تحلیف المنکر

۴. طلب الحكم علی الخصم

۳۴. با توجه به عبارت : بالجمله علیه السعی فی الدفع ما ممکن و عبارت بالجمله کل ما هو وسیله الی الاثبات به ترتیب اشاره دارد به وظیفه وکیل...

۱. مدعی\_ مدعی ۲. منکر\_ منکر

۳. مدعی\_ منکر ۴. منکر\_ مدعی

۳۵. وظیفه وکیل المدعی علیه....

۱. اقامه بینه الجرح ۲. تعدیل البینه

۳. بث الدعوى

۴. طلب الحكم على الخصم

۳۶. اگر منکر دین در اثنا دفاعیات وکیلش ادعا کند دین را پرداخته در این حالت....

۱. منکر تبدیل به مدعی میشود هرچند وکیل وی همچنان وظیفه انکار را دارد.

۲. وظیفه طرف مقابلش نیز وظائف منکر و سایر وظایف مدعی علیه میشود.

۳. گرچه دعوا منقلب میشود ولی تاثیری در انقلاب وظایف وکلا دو طرف ندارد.

۴. قاعده باب تداعی جاری است و وظیفه وکلا همچنان همان حالت پیشین و اولیه است.

۳۷..... اقرار الوکیل فی الخصومه على موکله و لو اقر وکیل المنکر بالحق المدعى....

۱. لا یقبل \_ یقبل

۲. یقبل \_ لم یقبل

۳. لا یقبل \_ لم یقبل

۴. یقبل \_ یقبل

۳۸. آیا اقرار وکیل علیه موکل خویش قبول است؟ چرا

۱. خیر چون موکل خویش را ظالم میداند هرچند وکالت به قوت خود باقی است.

۲. بله قبول است چون اقرار قابلیت تفویض دارد.

۳. خیر چون موکل خویش را ظالم میداند و باین اقرار منعزل شده و وکالت باطل میشود.

۴. بله چون مازون از قبل موکل خویش است و موکل با این توکیل علیه خویش اقدام نموده است.

۳۹. فی ای مورد لیس بصحیح؟

۱. الوکیل فی الخصومه یملک الصلح عن الحق

۲. الوکیل فی الخصومه لایجوز الابرأئ منه

۳. یجوز أن یوکل اثنین فصاعدا بالخصومه کسائر الامور

۴. الاصل فی تعدد الوكلا فی الخصومه اجتماع الوكلا

۴۰. اگر کسی را وکیل کند در طرح دعوا و اثبات حق....

۱. للوکیل بعد الاثبات قبض الحق

۲. للمحکوم علیه أن یمتنع عن التسليم موردالحق

۳. ان امتنع عن التسليم موردالحق للوکیل مخاصمته

۴. ان جحد الحق للوکیل مرافعته عند الحاكم من دون اذن

الموکل

۴۱. با توجه به عبارت: یجوز التوکیل بجعل و بغيره و انما

یستحق الجعل.... کدام گزینه صحیح است؟

۱. اگر وکیل در بیع و شرائی است به مجرد اتمام معامله

مستحق اجرت خواهد بود هرچند موکل مثنی یا ثمن را

دریافت نکرده باشد.

۲. اگر وکیل در مرافعه و تثبیت حق باشد به مجرد اثبات آن

مستحق اجرت خواهد بود اگر وکیل یا موکل حق را از طرف

گرفته باشد.

۳. اگر وکیل در بیع و شرائی بود به مجرد اتمام معامله مستحق

اجرت خواهد بود اگر ثمن یا مثنی به دست موکل رسیده باشد.

۴. اگر وکیل در مرافعه و تثبیت حق باشد به مجرد اثبات حق و

صدور حکم و استیفای حق مستحق اجرت خواهد بود.

۴۲. لو وكله فى قبض دينه من شخص فمات قبل الاداء...

۱. للوكيل له مطالبه وارثه

۲. لم يكن له مطالبه وارثه الا ان تشمله الوكاله.

۳. للوكيل له مطالبه وارثه او بث الدعوى عندالحاكم

۴. لم يكن له مطالبه وارثه و ان تشمله الوكاله

۴۳. اگر وكيل دائن در حالتى وكيل مديون در قضائ دين

شود...كدام گزينه نادرست است؟

۱. كان الدين باقى على ملك المديون لا الدائن

۲. للمديون استرداد مادام فى يدالوكيل

۳. ولو تلف عندالوكيل ضمن

۴. ولو ماكان وكيل المديون ان اخذ الدين كان قابضا للموكل

۴۴. در مورد عبارت: اذا لبس ثوبا كان وكيلا فى بيعه.. ..كدام

نادرست است؟

۱. لا تبطل بذلك وكالته

۲. لو باع الثوب بعد لبسه صح بيعه

۳. لو تلف قبل ان بيعه ليس ضامنا

۴. بتسليمه الى المشتري يبرأ عن ضمانه

۴۵. در مورد معامله وكيل با خود...كدام گزينه نادرست است؟

۱. اگر تصريح كند به غير بفروشد نمیتواند به خود بفروشد.

۲. اگر تصريح كند به خودش هم میتواند بفروشد میتواند به

غير يا خودش بفروشد.

۳. اگر بگويد به هر كس ميخواهى بفروش چون به صورت عام

گفته شامل وکیل نیز می شود.

۴. اگر گفته شود به هرکس میخواهی بفروش چون به صورت مطلق گفت شامل وکیل نیز می شود

۴۶. اگر الف ادعا کند که وکیل ب است....

۱. قول الف با سوگند پذیرفته است.

۲. در این حالت باب تداعی حاکم است.

۳. قول الف بدون یمین مقدم میشود.

۴. قول ب با سوگند پذیرفته است.

۴۷. لو اختلفا فی التوکیل فالقول قول....

۱. منکره ۲. الوکیل ۳. الموکل ۴. ۱ و ۲

۴۸. لو اختلفا فی دفع المال الی الموکل فالظاهر أن القول قول....

۱. الموکل ۲. الوکیل ۳. المنکر ۴. ۱ و ۳

۴۹. لو اختلف الاولیا مع المولی علیه فی دفع ماله...

۱. المنکر ۲. الاولیا ۳. المولی علیه مع الیمین ۴. ۱ و ۳

۵۰. لو اختلف الاولیا مع المولی علیهم فی الانفاق علیهم فی زمان ولایتهم....

۱. الظاهر ان القول قول الاولیا بیمنهم.

۲. الظاهر ان القول قول الاولیا بدون یمینهم

۳. ان القول قول مولی علیه بیمنهم

۴. ان القول قول مولی علیه بدون یمینهم



